

به عشق ایران و فرهنگ ایرانی

روزنامه آتیه ۱۱ اسفندماه ۱۳۷۷

گفت و گو با دکتر فریدون جنیدی ایران شناس و پژوهشگر شاهنامه فردوسی

«خرده‌مندان، آن کسی را که بر سر گنج نشسته باشد و از دیگران دریوزگی کند فرزانه نمی‌شمارند. آن گنج آکنده از گوهر که مابر سر آن نشسته ایم نوشته‌ها و یادگارهای پراج نیاکان ماست که در هر زمان، جویندگان را به کار می‌آید. نجات از توفان بنیان کن خودگم‌کردگی برای ما ایرانیان، روی آوردن به فرهنگ پایدار و شکوهمند ایرانی است.»

دکتر فریدون جنیدی اهل نیشابور و متولد فروردین ماه سال ۱۳۱۸ است. وی در کوهستان ریوند در روستای فیضان که امروز بنام معدن فیروزه شهرت دارد دیده به جهان گشود و بر اثر دو آزمایش بزرگ و یاد و تجربه تلخ در کودکی با خدا عهد و پیمان بست تا همواره یاور نیکی و نیکان باشد و هرگز گرد زشتی و پلیدیها نگردد.

گرویدن به نیروهای نیک برای او روانی آرام و جانی سرخوش فراهم آورد و نتیجه این آرامش لطافتی شد که در ۱۹ سالگی بصورت طبع شعر خود را نشان داد. از آنجا که جنیدی نفس دانش را مهم و پربها می‌داند، با مدرک گرایی سخت مخالف است. درباره سابقه تحصیلی خود علاقه ای به سخن گفتن ندارد. فقط می‌دانیم از کودکی به اتفاق خانواده در تهران بوده، در ۱۴ سالگی به نیشابور بازگشته و در آنجا نزد حسن سجادی که خود از شاگردان ادیب نیشابوری بوده با فرهنگ ایران آشنا شده و به دانشگاه تهران نیز راه یافته است.

- «فرهنگ هر کشور درست مانند تنه یک درخت است. هر درختی دارای ریشه، تنه و ساقه است. هر درختی دارای ریشه، تنه و ساقه است. برای گرفتن محصول و میوه خوب از یک درخت باید به ریشه آن توجه و دقت کرد. اگر ریشه از تنه جدا شود، درخت میوه نخواهد داد. به همین دلیل آینده جامعه ایران و جوانان آن را در گرو فرهنگ کهن آن می‌دانم. بر این اساس توجه به عمیقترین زمینه‌های فرهنگی ایران را سرلوحه کار خود قراردادم و زمانی که کارم را در این راه آغاز کردم در پیشگاه خداوند سوگند یاد کردم تا نفس دارم برای ایران کار کنم.»

فعالیت‌های بنیاد فرهنگی نیشابور

در سال ۱۳۵۸ جنیدی بنیاد فرهنگی نیشابور را بنا نهاد. می‌گوید:

- ما در این بنیاد، به عمیقترین و تازه‌ترین پدیده‌های فرهنگ توجه می‌کنیم. البته پژوهش‌های عمیق، خریدار کمتری دارد و چون خریدار کمتر از عرضه است بهتر دیدیم کار را از ریشه یعنی از نوباوگان و جوانان شروع کنیم. برای این کار دوره وجود داشت. یا اشخاصی

مانند دهقانان زمان باستان در کنار ما یار و یاور باشند که این امر به دلیل مشکلات اقتصادی آنان میسر نبود. راه دیگر این بود که دولت بیدرنگ و بیدریغ بدون منت و با افتخار از یک چنین بنیادی حمایت کند تا ثمره کارهای ما به دست جوانان برسد و چون این امر نیز تا به امروز میسر نشد کار بنیاد به رکود درآمده است. اما با تمام مشکلات به کار خودمان ادامه می دهیم. ضمن این که جنبه دوم کارمان آموزشی است و نیازی به مادیات ندارد بسیار پررونق است، به گونه ای که در هفته شش جلسه آموزش فرهنگ ایران باستان به صورت افتخاری برگزار می شود. از جمله این برنامه ها آموزش زبان پهلوی است که از آغاز کار بنیاد به طور جدی به آن پرداختیم و خوشبختانه نتیجه بسیار مطلوبی نیز از آن گرفتیم.

زمینه های شکل گیری بنیاد نیشابور

- آتیه : چه روشی را برای آشنا کردن جوانان با شاهنامه انتخاب کرده اید؟
 - من در سالهای پیش از تأسیس بنیاد با توجه به شرایطی که جامعه داشت به نظرم می رسید که تنها راه چاره ایرانیان این است که شاهنامه بخوانند. اما نمی دانستم چطور می شود دختر جوانی را که زن روز می خواند به خواندن شاهنامه ترغیب کرد. به همین دلیل تصمیم گرفتم داستانهای شاهنامه را به صورت کتابهای مستقل هر کدام در ۱۲۰ صفحه به گونه ای تهیه و تنظیم کنم تا جوان ایرانی آن را راحت تر بخواند. در این راه به نظرم رسید که ضمن آشنایی جوان با شاهنامه، شیوه فارسی نویسی صحیح را آموزش بدهیم. در این راه قصد کردم تا به هیچ عنوان با زبان عربی که بیش از هزار سال است با زبان فارسی در آمیخته مبارزه نکنم و در این راه با موفقیت توانستم بدون مبارزه با زبان عربی و اختراع واژه فارسی ۲۱ سال گام بردارم و نشان بدهم فارسی نه تنها ناتوان نیست بلکه بسیار هم غنی است.

بنیاد نیاز به همراهی دارد

- آتیه : غیر از کار بنیاد در جای دیگری اشتغال ندارید؟
 - هرگز دوست نداشتم در جایی شاغل باشم. چون در آن صورت وقت لازم را برای کارهای بنیاد و آنچه مورد علاقه ام بود پیدا نمی کردم.
- آتیه : با توجه به این که در جایی شاغل نیستید و بنیاد نیشابور تنها محل کار و منبع درآمد زندگی شماست ، از مزایا و امکاناتی مانند بیمه چگونه استفاده می کنید؟
 - من نه بیمه هستم و نه به سازمانی تعلق دارم و نه از سوی مرکزی حمایت می - شوم. محل کار ما نیز ساختمانی است قدیمی. ساختمانی ۴۰ ساله که پدر همسرم آن را وقف این کار کرده است. کارمندان بنیاد همه افتخاری هستند و عاشقان فرهنگ ایران. جز یک نفر که امور مربوط به

حروفچینی را به عهده دارد حقوق‌بگیر دیگری نداریم. ما از نظر مالی با بنیه بسیار ضعیف و تنها با عشق به راهی که درپیش گرفته ایم ادامه می‌دهیم.

○ آتیه: آیا مسئولان از وجود این بنیاد و کار آن با اطلاع هستند؟

- آقای خاتمی بهتر از هر کسی بنیاد ما را می‌شناسد. آقای مهاجرانی و دیگر مسئولان وزارت ارشاد همین طور.

○ آتیه: هیچ وقت با آنها درارتباط با نوعی همکاری و مساعدت صحبت کرده‌اید؟

- من به کشورم عاشقانه خدمت کرده‌ام. آیا این برای دولتمردان کافی نیست تا قدمی به سوی ما بردارند؟ از نزدیک حال ما را جویا شوند و خود با رغبت دست کمک به سوی ما دراز کنند؟ من حاضر نیستم از کسی تقاضای کمک کنم. من اگر دست به چنین کاری زدم دیگر فریخته نیستم. آیا سازمانی مانند شهرداری که این همه ساختمان مجلل ساخته است و خود را یکی از پیشروان اندیشه فرهنگی می‌داند نمی‌توانست یک ساختمان مناسب به جای این ساختمان قدیمی در اختیار بگذارد؟ من در نیشابور ۲۵ هکتار زمین را وقف کردم تا دانشگاهی بزرگ تأسیس کنم. ساخت این دانشگاه که دانشگاهی است بدون مدرک و بافت آن بصورت دانشگاهی در نظر گرفته شده است، بدون کمک دولت امکانپذیر نیست. اما متأسفانه تا این تاریخ پاسخ لازم را دریافت نکردم. جنیدی فعالیت خود را در این زمینه از ۲۰ سال پیش آغاز کرده است. او به این امید که ایران همانند روزگار پیشین علوم و پرورش دهنده عالمان باشد چنین طرحی را در نظر گرفته است. وی در این دهکده تمام امکاناتی که دانشجو برای زندگی نیاز دارد در نظر گرفته و دانش پژوهان به دلیل مشکلات مالی از فراگیری علم نمانند. منابعی نیز در نظر گرفته تا با استفاده از آن اساتید دانشگاه تأمین شود. وی این طرح را موفقیت آمیز می‌داند و معتقد است اگر دولتمردان در این زمینه تأخیر کنند و او را یاری ندهند، کشورهای دیگر به اجرای این طرح می‌پردازند.